

صدای «پرستو احمدی»، پایه‌های ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران را لرزاند!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

پرستو احمدی چهارشنبه شب ۲۱ آذر-۱۱ دسامبر، ویدئویی از اجرای خود در یک کاروانسرا را به‌عنوان «کنسرت فرضی» منتشر کرد. او هنگام اجرا پوشش دلخواهش داشت.



کنسرت پرستو احمدی در کاروانسرای در ایران

«کاروانسرا» در ایران و عموماً خاورمیانه، به مسافرخانه‌ها یا مهمان‌خانه‌های قدیمی که در فضای بزرگ برای راحتی کاروان‌ها هستند گفته می‌شود. اغلب در این نوع مهمان‌خانه‌ها که حیاطی بزرگ دارند، مسافران برای شب توقف می‌کنند.

این کنسرت که البته بدون مجوز و بدون رعایت قوانین «عفاف و حجاب» و بدون توجه به سیاست‌های «زن‌ستیز» جمهوری اسلامی بوده، با همکاری چهار نوازنده، بدون تماشاچی و در یک کاروانسرا برگزار شده است.

پرستو احمدی از احسان بیرقدار، سهیل فقیه نصیری، امین طاهری و امیر علی پیرنیا به‌عنوان نوازندگان این اجرا نام برده است. قطعات مختلف این اجرا به‌سرعت در حال هم‌رسانی توسط کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی است. با وجود فیلتر بودن یوتیوب در ایران، اجرای خانم احمدی در کانال اختصاصی‌اش تا لحظه انتشار این خبر، طی ۲۴ ساعت صدها هزار بار دیده شده است. بی‌تردید انتشار این کنسرت نیم‌ساعته که در محوطه یک کاروانسرا و با صحنه‌پردازی، صدا و تصویربرداری حرفه‌ای ضبط شده است، در بحبوحه بحث‌ها بر سر ابلاغ و اجرای قانون ارتجاعی و ضدزن موسوم به «حجاب و عفاف» در ایران واکنش‌ها و تحسین‌های بسیاری را برانگیخته است.

با انتشار این کنسرت فرضی، کاربران ایرانی و چهره‌های برجسته هنری و معترض آن را صدای زنان ایرانی خواندند و در مدت کوتاهی هشتگ پرستو احمدی در شبکه «ایکس» به یکی از ترندهای اصلی بدل و بسیاری از کاربران ایرانی بخش‌هایی از این کنسرت را منتشر کردند.

پرستو احمدی، اول فروردین ۱۳۷۶ در نوشهر به دنیا آمد و در رشته کارگردانی سینما تحصیل کرد اما از ۱۴ سالگی دوره‌های سلفژ و صداسازی را شروع کرده و به کار نوازندگی و خوانندگی مشغول است.

خانم احمدی، در مقدمه‌ای که در آغاز کنسرت چهارشنبه او نقش بست، اعلام کرد: «من، پرستو؛ دختری که می‌خواهم برای مردمی که دوستشان دارم بخوانم. این حقی است که نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشم؛ خواندن برای خاکی که عاشقانه دوستش دارم. این‌جا، در این نقطه از ایران عزیزمان، در این تکه‌ای که تاریخ و اسطوره‌های ما به هم پیوند می‌خورند، صدای من را در این کنسرت فرضی بشنوید و خیال کنید، این وطن را ...»

احمدی در «کنسرت کاروانسرا»، قطعه «مرا بیوس»، «از خون جوانان وطن»، «عزیز جون» و «چه سازم» را اجرا کرد. خانم احمدی در جریان شکل‌گیری جنبش زن، زندگی، آزادی تصنیف قدیمی «از خون جوانان وطن» را اجرا کرد که پس از هم‌رسانی گسترده آن در شبکه‌های اجتماعی، منزل او توسط ماموران امنیتی تفتیش شد و از او خواسته شد تا به دادرسی امنیتی تهران مراجعه کند.



کنسرت فرضی و بدون تماشاگر پرستو احمدی، پایه‌های ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران را لرزاند. در پی انتشار کلیپ با عنوان «کنسرت فرضی» در یک کاروانسرا در فضای مجازی، برای او پرونده قضایی تشکیل شد.

قوه قضاییه پنج‌شنبه ۲۲ آذر با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد کنسرت پرستو احمدی در کاروانسرا «بدون مجوز قانونی و رعایت موازین شرعی» بوده و نوشت: «ضمن برخورد مقتضی، علیه خواننده و عوامل تولید آن پرونده قضایی تشکیل شده است.»

به گزارش میزان خبرگزاری قوه قضاییه، برای دست‌اندرکاران این کار پرونده تشکیل شده و با دیگر عوامل اجرا هم «برخورد خواهد شد.» خبرگزاری میزان، نوشت: روز گذشته فیلمی با عنوان «کنسرت فرضی» در یک کاروانسرا در فضای مجازی منتشر شد که در آن یک گروه به خوانندگی خانمی بدون رعایت موازین قانونی و شرعی در حال اجرای یک قطعه موسیقی هستند. در پی انتشار کلیپ مورد اشاره که هیچ مجوز قانونی نداشته و موازین قانونی و فرهنگی کشور نیز در آن رعایت نشده است، با ورود دستگاه قضایی ضمن برخورد مقتضی، علیه خواننده و عوامل تولید آن پرونده قضایی تشکیل شده است.

«کنسرت فرضی» پرستو احمدی بدون حجاب اجباری، موجی از واکنش‌ها را به همراه داشت. در حالی که شماری شجاعت این خواننده را ستودند و او را به «خورشیدی خاموش‌نشده» تشبیه کردند، قوه قضاییه اعلام کرد که برای عوامل این کنسرت پرونده قضائی تشکیل شده و برخورد قانونی با آن‌ها در دستور کار قرار دارد.

بدون شک، این گروه از مشکلاتی که ممکن است با آن مواجه شوند آگاه بوده‌اند. همین نکته باعث شده تا برخی از حامیان «کنسرت فرضی» آن را نشانه‌ای از شجاعت و جسارت گروه بدانند.

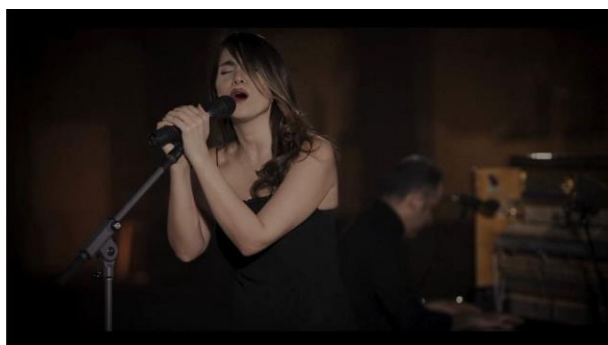
پرستو احمدی پیش از این نیز در جریان جنبش زن، زندگی، آزادی، تصنیف «از خون جوانان وطن» را اجرا کرده بود. پس از آن نیروهای امنیتی منزل او را تفتیش کرده و از او خواسته بودند تا به دادسرای امنیتی تهران مراجعه کند.

اما برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی، این اقدام را با حرکت تاریخی «قمرالملوک وزیری» مقایسه کرده‌اند، زمانی که او در سال ۱۳۰۳ خورشیدی بدون حجاب در گراند هتل روی صحنه رفت و پس از آن نظمی از او خواست که دیگر بدون حجاب کنسرت ندهد. این قیاس به دلیل شباهت‌های ساختار شکنی و مخالفت با هنجارهای اجتماعی مطرح شده است.

لازم به یادآوری است که پس از کودتا و هم‌لازم به یادآوری است که هم‌زمان با نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبایی، احمدشاه رضاخان را با لقب سردار سپه به وزارت جنگ منصوب کرد.

سرانجام در سوم آبان ۱۳۰۲ رضاخان با فرمان احمدشاه قاجار به نخست‌وزیری منصوب شد و شاه نیز پس از چند روز به اروپا رفت و عملاً کشور را به رضاشاه سپرد. رضاشاه در این مدت پایه‌های قدرت خود را استوار کرد و به کوشش برای سرنگونی حکومت قاجار پرداخت.

سپس با تشکیل یک مجلس موسسان، در ۲۱ آذر ۱۳۰۴، سلطنت ایران به رضا خان میرپنج واگذار شد. انتخابات این مجلس در فرایندی کاملاً غیر دموکراتیک انجام شد و کسانی مانند آیت‌الله کاشانی به نمایندگی رسیدند و در مدح رضا شاه و سلطنت وی، نطق‌های پرشوری کردند. در بیست و چهارم آذر ۱۳۰۴ خورشیدی، رضاخان پهلوی در مجلس موسسان حاضر شد و با ادای سوگند به قرآن رسماً به‌عنوان سردودمان پهلوی وظایف پادشاهی را به‌عهده گرفت. مراسم تاج‌گذاری رضاشاه در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ انجام شد.



برگزاری این کنسرت واکنش‌های متعددی از سوی هنرمندان و فعالان اجتماعی به همراه داشته است. هنرمندان سرشناسی چون ایرج جنتی عطایی، مهرنوش سهیلی، داریوش اقبالی و عارف عارف‌کیا نیز با بازنشر شعار «زن، زندگی، آزادی» در اینستاگرام خود از این حرکت حمایت کردند. آقای ایرج جنتی عطایی شاعر و ترانه‌سرای سرشناس ایران ساکن لندن، در واکنش متن یکی از ترانه‌های خود را روی تصویری از «کنسرت فرضی» در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت: «صدای تو بیداری ریشه آواز سبز برگه، صدای تو پر وسوسه مثل شبخونی تگرگه، صدای تو آهنگ شکستن بغض به دنیا حرفه، تصویری از آواز صریح قنديل نور و برفه.»

مژگان شجریان در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: «درود بر پرستو و همراهان شجاعش که ارزش شجاعت و راستی را در روزگار ترس و وحشت یادآورند. سر تعظیم دارم بر منش و کردار زیبایتان.»

مهرنوش سهیلی، خواننده ایرانی، این کنسرت را «باشکوه‌ترین کنسرت یک زن در ۴۵ سال گذشته» توصیف کرد و آن را «جسورانه و حیرت‌انگیز» دانست.

رضا شفاخواه، وکیل دادگستری، نیز ضمن حمایت از خانم احمدی، تاکید کرد که در صورت بروز مشکلات قضایی برای او و همکارانش، آن‌ها را «در راهروهای دادگستری» تنها نخواهند گذاشت.

پرستو احمدی، پیش از این با اجرای «از خون جوانان وطن» و «هوای آزادی» خبرساز شده بود. وی متولد فروردین ۱۳۷۶ در نوشهر است که با اجرای قطعه «از خون جوانان وطن» عارف قزوینی در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ شناخته شد.

او فارغ‌التحصیل کارگردانی در دانشگاه سوره است و سال‌ها در صفحه اینستاگرامش پیانو می‌نواخت و آوازهای بسیاری را بازخوانی و منتشر می‌کرد.

پرستو احمدی کارهای استودیویی و حرفه‌ای نیز در کارنامه خود دارد. اولین کار حرفه‌ای او بازخوانی ترانه فولکلور مازنی «عزیز جون» در تابستان ۱۳۹۹ بود. دومین کار خانم احمدی «حیرانی» با شعری از باباطاهر عریان در تابستان ۱۴۰۰ و سومین هم اجرای «لحظه دیدار» شعری از اخوان ثالث در فروردین ۱۴۰۱ بود.

اما این بار در کنسرتی با عنوان «کاروانسرا» توانست موجی از واکنش‌های اجتماعی و هنری را برانگیزد.

پرستو احمدی در خرداد ۱۴۰۲ کاری به نام «هوای آزاد» با شعری از فاطمه دوگوه‌رانی منتشر کرد که به گفته خودش ادای دینی به جنبش «زن، زندگی، آزادی» بود. ۳ ماه از انتشار این قطعه نگذشته بود که او مورد پیگرد قضایی قرار گرفت.

احضار او به دادسرای امنیت تهران و توقیف وسایل شخصی‌اش، چالش‌هایی را برای فعالیت‌های هنری‌اش ایجاد کرد. با این حال، او با انتشار ترانه‌ای با شعر هوشنگ ابتهاج سکوت چهار ماهه خود را شکست، این ترانه داستان زنان خواننده هم‌چون خود پرستو احمدی در ایران است.



حسین رونقی فعال و زندانی سیاسی سابق در توییتی دیگر گفت: «پرستو صدای میلیون‌ها زن ایرانی سرکوب‌شده است، سرکوب صدای زنان، «تقابل سازمان‌یافته» با آزادی و برابری اجتماعی است. هر بار که صدای گروهی از جامعه (در این‌جا زنان آوازخوان)، با زور و اجبار خاموش شود، این مسئله به نهادهای قدرت و حاکمیت مربوط است و باید دغدغه‌ی همگان باشد. بی‌شک مسئله‌ی زنان، چه در حذف صدای زنان آوازخوان و چه در دیگر ممنوعیت‌ها، مسئله‌ای همگانی در مسیر تحقق آزادی و برابری است.»

قاسم محمدی، کاربری که خود را «جانباز جنگ و عضو گردان حبیب لشکر ۲۷ محمد رسول الله» معرفی می‌کند نوشته است: «پایدار باش شیر دختر شجاع ایران. مردم ایران به تو و امثال تو افتخار خواهند کرد، شهدامون از دنیای فانی برای اینکه زیر بار زور نرفتی تحسینت خواهند کرد...»

جاستینا، خواننده رپ که در کارنامه خود ترانه‌های اعتراضی و اجرای زیرزمینی در ایران را دارد، در واکنش به اجرای پرستو احمدی می‌گوید: «من و خیلی از زنان دیگر اگر در ایران خوانندگی را شروع کردیم به‌خاطر شجاعت زنان قبل از خودمون بود که در شرایطی سیاه تر از ما تابو خوانندگی زنان در حکومت جمهوری اسلامی را شکستند و چقدر باشکوه وقتی این زنجیره ادامه دار می‌شه و بت‌های بزرگ‌تر شکسته می‌شه.»



مهدی یراحی، خواننده معترضی که با پابند بیرون از زندان است، در حساب ایکس نوشته است: «خود تو خورشیدی غیرممکنه غروب شه. رها بحرینی پژوهشگر حقوق بشر در حساب اکس نوشت: «پرستو احمدی در اقدامی تاریخی، قوانین سرکوبگرانه حجاب اجباری و ممنوعیت آواز خواندن زنان را به چالش می‌کشد و کنسرت خیره‌کننده‌ای را اجرا می‌کند. صدایش شایسته مخاطب زنده است، نه یک محوطه خالی. این حرکت شجاعانه زنده‌کننده رویای روزهایی است که آزادی و کرامت انسانی در ایران شکوفا خواهد شد.»

کاربران بسیاری نیز به استفاده از موسیقی به‌عنوان ابزاری به‌مثابه اعتراض اشاره کردند و این اجرا را مقایسه‌ای با فعالیت‌های مشابه هنرمندان دیگر دانستند.

توماج صالحی، مهدی یراحی، شروین حاجی‌پور، زارا اسماعیلی و سامان یاسین از جمله خوانندگانی هستند که با برخورد قضایی مواجه شده‌اند. «حق آواز زنان» در ایران با موانع بسیاری مواجه است و بسیاری به‌دلیل همین ممنوعیت‌ها از ادامه فعالیت‌های هنری دست کشیده و یا تن به مهاجرت داده‌اند.

تیرماه سال گذشته نیوشا قربانی، خواننده گروه «اتاق بند» در هنگام اجرای کنسرت، توسط ماموران وزارت اطلاعات در تهران بازداشت و پس از مدت کوتاهی آزاد شد.

مرداد ماه امسال زارا اسماعیلی خواننده جوان به‌دلیل آوازخوانی در مکان عمومی بازداشت و صفحه اینستاگرامش توسط قوه قضاییه مسدود شد.

علاوه بر آن اجراهای زنده و ضبط‌های استودیویی پرستو احمدی در پلتفرم‌های مختلف از جمله یوتیوب، به‌ویژه برای آثار «سنگ خارا» و «غریبه»، واکنش‌های متعددی را به‌همراه داشته است.

او در شرایطی این کنسرت را برگزار کرد که محدودیت صدای زنان در ایران طی نیم‌قرن اخیر، یکی از موضوعات فرهنگی و اجتماعی چالش‌برانگیز بوده است و در این مدت، زنان به‌طور قانونی از اجرای تک‌خوانی در ملاعام یا ارائه آثار موسیقی به‌صورت مستقل منع شده‌اند. او البته تنها خواننده زنی نیست که در تلاش برای دور زدن محدودیت‌هاست، در سال‌های اخیر، بسیاری از زنان هنرمند تلاش کرده‌اند با خلاقیت و استفاده از ابزارهای جدید (مانند فضای مجازی)، صدای خود را به گوش مخاطبان برسانند. کنسرت‌های زیرزمینی، انتشار آثار مستقل آنلاین و همکاری‌های بین‌المللی، بخشی از این تلاش‌ها بوده است.

با وجود این همه محدودیت و بگیر و ببند دولتی، زنان ایرانی همچنان بخش قابل توجهی از موسیقی و فرهنگ ایران را شکل داده‌اند آیا از این پس، شاهد اقدامات بیش‌تری در این زمینه خواهیم بود؟

مهدی یراحی، خواننده معترض که پیش‌تر در پی حمایت از اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ با اجرای ترانه‌هایی در حمایت از حقوق زنان به زندان افتاده بود، در واکنش به اجرای «کنسرت کاروان» خطاب به پرستو احمدی گفته است: «خود تو خورشیدی. غیر ممکن است غروب شود.» مونا برزویی، ترانه‌سرا، که او نیز در پی حمایت از اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ پس از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد به دست مقامات جمهوری اسلامی بازداشت شده بود نیز با تحسین پرستو احمدی در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است: «بشو هر آن که هستی!»



زارا اسماعیلی

زارا اسماعیلی، هنرمند جوان که بدون حجاب اجباری در مکان‌های عمومی اجرا می‌کرد بازداشت شده است ویدیوهای آواز خواندن بدون حجاب اجباری زارا اسماعیلی، هنرمند ۲۹ ساله ساکن کرج، در مکان‌های عمومی توجه مخاطبان را به خود جلب کرده و بارها در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده بود.

این هنرمند جوان اجراهای زیادی در شهرک اکباتان، باغ فردوس تهران، و مترو داشت. صدای قدرتمند این هنرمند جوان و اجراهایش از ترانه‌های هاید و ایمی واینهاوس، خواننده بریتانیایی، با استقبال بسیار مردم همراه می‌شد.

بازداشت زارا اسماعیلی، زن جوان هنرمندی که بدون حجاب اجباری در مکان‌های عمومی تهران و کرج آواز می‌خواند، با واکنش‌های زیادی از سوی ایرانیان همراه شده است.

چند روز پس از بازداشت زارا اسماعیلی، قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۱۸ مرداد حساب کاربری این آوازخوان در شبکه اجتماعی اینستاگرام را نیز مسدود کرد.

در این صفحه، آرم قوه قضاییه جمهوری اسلامی همراه با پیام «برابر با دستور قضایی» مسدود شد، به چشم می‌خورد.

به گفته گل‌آذین، جمهوری اسلامی نمی‌تواند صدای زنان ایرانی را خاموش کند و آنها صدای یکدیگر خواهند بود، آواز می‌خوانند و اعتراض می‌کنند. او می‌افزاید که این مبارزه تا هنگامی که زنان ایرانی بتوانند آزادانه خود را بیان کنند، ادامه خواهد داشت.

گل‌آذین می‌گوید که مبارزه زنان و دختران ایرانی با «رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی» برای دستیابی به حقوق طبیعی خود متوقف نمی‌شود و این حکومت نمی‌تواند صدای آن‌ها را حذف کند. او از همه می‌خواهد تا صدای زارا باشند، داستانش را با سایرین به اشتراک بگذارند، و به تغییر این روند غیرانسانی کمک کنند.

گل‌آذین می‌گوید: «آواز خواندن یک حق طبیعی و ساده در بسیاری از کشورهای جهان است ولی در ایران جمهوری اسلامی سال‌هاست که این حق را از زنان و دختران ایرانی سلب کرده است.»

او می‌افزاید که حکومت از قدرت زنان وحشت دارد، و در عین حال به قدرت موسیقی برای تغییر آگاهی دارد، و به همین دلیل حق ساده آوازخوانی را از زنان گرفته است تا نتوانند عواطف و احساسات خود را بیان کنند.

گل‌آذین با اشاره به این که به دلیل نداشتن این حق مجبور به ترک ایران، سرزمینی که عاشقانه دوست دارد، خانواده، و دوستانش شده است، می‌گوید چالش‌های زیادی پشت سر گذاشته است تا بتواند در صنعت موسیقی در خارج از ایران فعالیت کند.

او تأکید دارد که در تمامی این دوران تلاش کرده است تا صدای زنان و دختران ایرانی باشد تا آن‌ها بتوانند در آینده بخوانند و صدای هیچ زنی خاموش نشود.



گل آذین، خواننده ایرانی که با نام هنری «گلا» شناخته می‌شود

این کنسرت پرستو در رسانه‌های معروف فرانسه نیز انعکاس یافت لیبراسیون روزنامه صبح پاریس برگزاری کنسرت خیالی پرستو احمدی از طریق «یوتوب» را در دل جامعه‌ای در حال دگرگونی، اقدامی خارق‌العاده و نمادین خوانده است. لیبراسیون اقدام شجاعانه هنرمند جوان ایرانی را ادامه خیزش «زن، زندگی، آزادی» دانسته که عمیقاً جامعه ایران را دگرگون کرده است. در پرتو این خیزش، به نوشته لیبراسیون، زنان و دختران ایران بیش از پیش حجاب اجباری را و قوانین تحمیلی حکومت اسلامی در این زمینه را به چالش می‌کشند.

ندا، یک معمار جوان، به لیبراسیون گفته است: «هرگز نخستین کسانی را که با اقدام‌های شجاعانه‌شان مرزهای خیال را درمی‌نوردند و اشکال غیرقابل تصور زندگی را آشکار می‌سازند فراموش نمی‌کنیم.» ندا در ادامه افزوده است که او تا پیش از اقدام شجاعانه پرستو احمدی «اراده مبارزه در این کشور نفرین شده را از دست داده بود، اما، اکنون پرستو احمدی به او قدرت دوباره برخاستن را داده است.»

المیرا، استاد ۲۸ ساله موسیقی در شهر رشت به لیبراسیون گفته است: «پرستو صدای میلیون‌ها زن ایرانی است که به سکوت واداشته شده‌اند و آزادی و کرامت انسانی خود را طلب می‌کنند.» او افزوده است که «این میلیون‌ها صدا صرفاً صدای اعتراض علیه رژیم کنونی نیست. این صداها پیام مقاومت و ایستادگی در مقابل استبداد است.» این صداها می‌گویند: «ما زنان زنده‌ایم و برغم محدودیت‌ها و اجبارها تسلیم هنجارهایی نشدیم که حکومت اسلامی طی دهه‌ها به ما تحمیل کرده است.»

روناک یک پزشک ۴۸ ساله، به لیبراسیون گفته است که پرستو احمدی با برگزاری یک کنسرت خیالی «پوچی و بیهودگی قوانینی را که اختاپوس دستگاه قانون‌گذاری ایران علیه زنان تصویب می‌کند، نشان داد.» به گفته پزشک ایرانی این کنسرت پایه‌های استبداد در ایران را از درون لرزاند. به گفته او، پرستو احمدی و هنرمندان مرد همراه او خوب می‌دانستند که اقدام آنان چه خطراتی را در پی دارد، اما، «آنان انتخاب کردند که برغم خطرات از پا نایستند و پیش بروند.»

یک دختر جوان دیگر به لیبراسیون گفته است که با دیدن کنسرت پرستو احمدی وجودش مملو از هیجان شد. او می‌پرسد: «چه استعدادهایی در این چهل و پنج سال تباه و چه زندگی‌هایی نابود نشدند؟» دختر جوان سپس گفته است: «حضور پرشکوه پرستو احمدی روی صحنه یادآور همه دختران و زنان گمنامی است که به دلیل آرایش یا حجاب غیرمذهبی از ورود به کلاس‌های درس منع یا متحمل ضربات مشت و لگد در خانه شدند.» او گفته است که «این زنان قدم به قدم درجه زیبا و ماندگاری از آزادی را ساختند.»



این اقدام پرستو و گروه نوازندگان، بار دیگر نگاه‌ها را به محدودیت‌های هنری و اجتماعی زنان در ایران معطوف کرد. فعالیت هنری زنان در ایران به‌ویژه در حوزه آواز با موانع زیادی مواجه است و بسیاری از هنرمندان به دلیل این محدودیت‌ها از ادامه مسیر خود منصرف شده یا به مهاجرت روی آورده‌اند.

در مرداد ماه امسال، زارا اسماعیلی، خواننده جوان، به دلیل آوازخوانی در مکان‌های عمومی دستگیر و حساب اینستاگرام او توسط قوه قضاییه مسدود گردید.

سال گذشته نیز یوشا قربانی، خواننده گروه «آفاق بند»، در جریان اجرای کنسرت خود در تهران توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و پس از مدت کوتاهی آزاد شد.

در واقع به جز حجاب اجباری و سرکوب سیستماتیک، زنان در ایران حق خوانندگی به تنهایی را ندارند و اجرای پرستو احمدی از این بابت واکنش‌های گسترده‌ای برانگیخته است.

پرستو درباره کنسرت خود نوشته است که «من، پرستو؛ دختری که می‌خواهم برای مردمی که دوست‌شان دارم بخوانم. این حقی است که نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشم؛ خواندن برای خاکی که عاشقانه دوستش دارم.»

او که در این اجرا نقشه ایران را به‌عنوان آویز گردن‌بند خود بر گردن داشت، در ادامه افزوده است که «این‌جا، در این نقطه از ایران عزیزمان، در این تکه‌ای که تاریخ و اسطوره‌های ما به هم پیوند می‌خورند، صدای من را در این کنسرت فرضی بشنوید و خیال کنید، این وطن زیبا را...»

پرستو احمدی خواننده ۲۷ ساله ایرانی که به اجرای قطعات کلاسیک و پاپ موسیقی ایران و جهان می‌پردازد روز چهارشنبه ویدئویی ۲۷ دقیقه‌ای از کنسرت زنده و بدون مخاطب خود را در یوتیوب منتشر کرد که با استقبال بسیاری روبرو شد او که در این اجرای فرضی مانند همیشه از حجاب اجباری دوری گزیده بود در این کنسرت زنده به خواندن قطعات محبوبی چون «مرا ببوس» و «از خون جوانان وطن» پرداخت.

پرستو احمدی در جریان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ نیز ترانه «از خون جوانان وطن» عارف قزوینی که در اصل به یاد جان‌باختگان انقلاب مشروطه سروده شده بود ولی در مناسبت‌های مختلف در تاریخ ایران نیز بازخوانی شده، اجرا و در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده بود.

هنر اعتراضی یا هنر معترض اثری خلاقانه است که توسط کنشگران و جنبش‌های اجتماعی تولید می‌شود و به مکتب، سبک یا تفکری که آن را بر حق نمی‌داند یا به رسمیت نمی‌شناسد اعتراض می‌کند.

پرستو احمدی در توضیح اجرای این کنسرت در کانال یوتیوب پخش‌کننده این اثر نوشت: «من، پرستو دختری که می‌خواهم برای مردمی که دوست‌شان دارم بخوانم. این حقی است که نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشم؛ خواندن برای خاکی که عاشقانه دوستش دارم.»

از این حق باید دفاع کرد اما صورت مهم‌تر آن است که در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش‌های اجتماعی را در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی تبه‌کار تقویت کرد!

جمعه بیست و سوم آذر ۱۴۰۳ - سیزدهم دسامبر ۲۰۲۴

ضمایم:

کانون نویسندگان ایران: زنان پا پس نخواهند کشید

خیابان‌های ایران از نخستین سال‌های استقرار جمهوری اسلامی، عرصه‌ی مقاومت زنان بوده است؛ مقاومتی که در روزهای جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران در سال ۱۴۰۱ به اوج خود رسید و تا امروز ادامه یافته است. حاکمیت از ابتدا همان حقوق نصفه نیمه‌ی زنان در رژیم گذشته را نیز به طاق نسبان سپرد و نابود کرد و تعیین حدود پوشش و تحمیل حجاب را به نمادی از سلطه بدل کرد تا نیمی از جامعه را به انقیاد کشد و نیمی دیگر را مرعوب سازد. در تمام این سال‌ها، حکومت با تسلط بر وزارتخانه‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس، حضور اجتماعی زنان را محدود و مشروط به پذیرفتن حدود پوشش کرد. در پاسخ به این سلطه‌ی فراگیر، زنان خیابان را به مثابه‌ی عمومی‌ترین عرصه‌ی زندگی، به میدان مبارزه و مقاومت خود بدل کردند. حاکمیت بارها با تنگ‌تر کردن عرصه بر زنان، کوشید آن‌ها را از خیابان نیز بیرون براند. آنچه امروز تحت عنوان «قانون حجاب و عفاف» شاهد آنیم، اعلام رسمی جنگی است که در چهل و چند سال گذشته، هر روز و هر لحظه بر ضد زنان در جریان بوده است.

تعیین «وظایف عمومی و تکالیف اختصاصی» برای دستگاه‌های اجرایی در قانون مذکور، در راستای تحکیم تسلط پیشینی حاکمیت بر زندگی و سرنوشت زنان است. حاکمیت این بار تمام اجزا و بازوهای خود را با آرایشی دقیق بر ضد زنان بسیج کرده است و رساتر از هر بار دیگر اعلام می‌دارد که بودجه‌های رسانه و تبلیغات و آموزش را صرف تحمیل و نهادینه کردن گفتمان زن‌ستیزانه‌ی خود می‌کند. جزئیات دستورالعمل‌های تعیین شده برای دو رکن سانسور حکومتی، وزارت ارشاد و صدا و سیما جمهوری اسلامی، گرچه توصیف‌گر شرایطی است که نویسندگان و هنرمندان، به ویژه زنان نویسنده و هنرمند، سال‌ها با مصائب آن دست و پنجه نرم کرده‌اند، اما نشان می‌دهد این بار محدودیت‌های تحمیلی با دستورالعمل‌های قضایی و امنیتی حمایت می‌شوند.

چهار فصل نخست این قانون همچون مقدمه‌ی طولانی برای فصل پایانی است و به تعریف فهرستی مبسوط از جرائم و مجازات‌ها می‌انجامد که زنان را هدف می‌گیرد و هر گونه حمایت از آنان را مشمول مجازات می‌کند. «قانون حجاب و عفاف» با تعیین مجازات‌های متعدد، از جرم‌انگاری و پرونده‌سازی بر ضد زنان تا محروم کردن آنان از حقوق اجتماعی و جرائم سنگین نقدی، می‌کوشد مقاومت زنان در عرصه‌های عمومی را از کار بیندازد و راه را بر حمایت از آنان ببندد. زنان که پیشتر بسیاری از عرصه‌های کار و حضور اجتماعی خود را از دست داده و از اغلب حقوق انسانی خود محروم مانده‌اند، اکنون با تهدید به محدودیت‌های اجتماعی جدی و جرائم مالی کمرشکن روبه‌رو شده‌اند.

«قانون حجاب و عفاف» تصویری پرجزئیات از میزان عداوت حکومت با زنان و نمایشی از سرکوب و تحدید آزادی است. با این همه تاریخ چهل و چند ساله‌ی جنگ حکومت علیه زنان نشان می‌دهد که زنان هرگز به عقب باز نخواهند گشت. حاکمیت هرگز نتوانسته است عرصه‌هایی را که زنان با مبارزه و پرداخت هزینه‌های سنگین به کف آورده‌اند، از آنان بازپس بگیرد. جامعه‌ای که در اسفند ۵۷، زنان خواستار آزادی پوشش را تنها گذاشت، تا به امروز راه درازی را طی کرده است. اکنون خواست آزادی پوشش و برابری طلبی زنان، به عنوان بخش مهمی از تصویر چندپاره‌ی آزادی، به تمامی خواسته‌های عدالت‌طلبانه و آزادیخواهانه گره خورده است. اکنون مردان بسیاری با نظر به این که «آزادی زنان معیار سنجش آزادی جامعه است»، خواسته‌های زنان را خواسته‌ی همه‌ی جامعه می‌دانند.

تصویب و اجرایی شدن «قانون حجاب و عفاف» بی‌تردید سرکوب مضاعف زنان و نقض آزادی بیان نیمی از جامعه است، اما زنان که همواره در مبارزه پیشتاز بوده‌اند، این بار نیز ابتکار عمل را به دست خواهند گرفت و جامعه نیز از حمایت آنان دست نخواهد کشید. کدام نیروی قهری زنانی را که در مسیر برابری طلبی و آزادی‌خواهی، به شکل جمعی و فردی، هزینه‌های جانی و مالی و اجتماعی بسیار داده‌اند، واپس خواهد راند؟

کانون نویسندگان ایران

۲۳ آذر ۱۴۰۳

*«کنسرت کاروانسرا»، در یکی از کاروانسراهای ایران با هنرمندی پرستو احمدی، در روز چهارشنبه ۲۱ آذر، بدون حجاب اجباری و پخش زنده آن از کانال یوتیوب، درد اخل و خارج کشور خیرساز شد.

<https://www.youtube.com/live/iz0sJOZYtxs?si=4tk2zOHjcu1OjQYJ>